

## احکام قصاص چشم در مورد شخص الأعور «یعنی از یک چشم کور» از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی

مهدي شجاع الدينى مهنى<sup>۱</sup>، محمدرضا علمي سولا<sup>۲</sup>، محمدرضا کمالی فر<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

نام نویسنده مسئول:

مهدي شجاع الدينى مهنى

### چکیده

قصاص مجازاتی است که از دیرباز در جامعه بشری وجود داشته و ویژگی برجسته آن همانندی جرم و مجازات است. در قانون مجازات اسلامی نیز اگر کسی به جان یا عضو دیگری آسیب برساند، حکم به قصاص او می‌شود. یکی از مهم‌ترین شرایط قصاص عضو که علما درباره آن اتفاق دارند، همانندی عضو آسیب‌دیده مجنتی<sup>۱</sup> علیه و جانی است. بر این اساس زمانی که انسان، چشم دیگر را بکند و یا کور کند محکوم به قصاص می‌گردد. هرچند که شخص جانی یک چشم بیشتر نداشته باشد، اما یکی از مواردی که باعث اختلاف فقهی در این مورد شده است این است که اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است، چشم شخص «الأعور» یعنی شخصی که بهصورت خلقت و یا براثر آفت سماوی دارای یک چشم است را دربیاورد آیا علاوه بر قصاص یک چشم جانی شخص مجنتی<sup>۲</sup> علیه باید نصف دیه هم از جانی بگیرد و یا اینکه خیر فقط در چشم جانی قصاص اجرا می‌شود نه چیز دیگر؟ هرچند که همه فقهاء اتفاق نظر دارند که دیهی چشم «الأعور» دیهی کامل است، اما فقهاء در مورد این مسئله قائل به سه دیدگاه هستند که برخی بهصورت مطلق قائل به قصاص شده‌اند و برخی هم قائل به قصاص همراه با پرداخت نصف دیه شده‌اند و برخی هم در این مسئله توقف کرده‌اند اما گروه اول و دوم به ادله‌ای استناد کرده‌اند که ناتمام است. قانون‌گذار هم در مواد ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی به این امر اشاره کرده است؛ اما لازم است برای فهم عمیق تحقیق بیشتری در این زمینه صورت گیرد. مقاله حاضر با نبین هر سه قول و بررسی ادله و بیان نقاط ضعف و قوت آن‌ها نظریه‌ی قصاص و پرداخت نصف دیه به خاطر قصاص چشم «أعور» را انتخاب و به پی آمده‌ای حقوقی این مسئله اشاره کرده است.

**کلمات کلیدی:** قصاص، شخص الأعور، فقه، قانون مجازات اسلامی.

**مقدمه**

قصاص یکی از احکام کیفری در اسلام است که قرآن آن را مایه حیات جامعه می‌داند. تشریع حکم قصاص برای جلوگیری از انتقام‌های کور و دور از عدالت، همچنین برای جلوگیری از جرأت یافتن جنایت‌کاران در قتل یا ضرب و جرح شهروندان، وضع شده است. حیات اجتماعی سالم درگرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، درگرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است؛ و حکم قصاص برای محافظت رکن مهم جامعه، یعنی جان افراد، در برابر جنایت‌کاران وضع شده است. قصاص یا در نفس است و یا عضو که در قصاص عضو علاوه بر شرایط مشترک با قصاص نفس، دارای شرایط اختصاص نیز هست از جمله تساوی در اصلی بودن اعضاء، تساوی در محل عضو مجرح یا مقطوع قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر او نشود، تساوی اعضاء در سالم بودن، قصاص بیشتر از اندازه جنایت نباشد، تساوی قصاص اعضاء بین زن و مرد. یکی از مواردی که در قصاص عضو صورت می‌گیرد بحث قصاص چشم است که چشم سالم در مقابل چشم سالم قصاص می‌شود و اگر شخصی دارای یک چشم سالم است چشم شخصی را بکند چشم آن را درمی‌آورند به عنوان قصاص هرچند که مستلزم کور شدن آن شود. قانون گذار هم از این امر مثبت نبوده است و در ماده ۴۰۲ قانون مجازات اسلامی همین دیدگاه فقهای را بیان کرده است که «اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مرتكب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضاء زوج بدن جاری است.» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴) اما یکی از مواردی که باعث اختلاف فقهای در این مورد شده است این است که اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخص الأعور که به صورت خلقت سماوی و یا براثر افت سماوی دارای یک چشم است را دریاورد در این صورت همه فقهاء اتفاق نظر دارند که دیه‌ی چشم این شخص دیه‌ی کامل است و حال فقهاء در مورد این مطلب اختلاف کردند که آیا علاوه بر قصاص یک چشم جانی شخص مجني علیه باید نصف دیه هم از جانی بگیر و یا اینکه خیر فقط در چشم جانی قصاص اجرا می‌شود نه چیز دیگر؟ هرچند که قانون گذار در ماده ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی قائل به نصف دیه علاوه بر قصاص یک چشم جانی شده است و بیان کرده است: «اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مجني علیه می‌تواند یک چشم مرتكب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتكب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مجني علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دستداده باشد که در این صورت می‌تواند یک چشم مرتكب را قصاص کند و یا با رضایت مرتكب، نصف دیه کامل را دریافت نماید.» اما شاید بتوان گفت که این دیدگاه قانون گذار و برخی فقهاء مخالف قول باری تعالی: «الْعَيْنَ بِالْأَعْيَنِ». (سوره مائدہ، آیه ۴۵) است که در زیر به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت و ابتدا دیدگاه فقهاء را بیان خواهیم کرد و سپس به تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی خواهیم پرداخت.

**تعريف قصاص و الأعور****قصاص در لغت:**

قصاص در لغت، اسم مصدر از ریشه «قصّ يُقصّ» به معنای مجازات، عقاب، سزا، جبران، تلافی پی گیری نمودن اثر چیزی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۷۳).

در ((المحيط فی اللغة)) آمده است که منظور از قصاص: منتهای روئیدنگاه موى سر از پس و پیش مانند آنچه داده باشی بازستدن؛ و قصاص در جراحات به معنای چیزی در مقابل چیزی است، مانند جرم مرتكب شده مجرم را مجازات کردن. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۸۶).

زبیدی در این مورد بیان کرده است: قصاص به معنای پیروی کردن از کسی و یا چیزی است چنانچه گفته می‌شود «قص اثره» یعنی فلانی از دیگری تعییت نمود یعنی پیروی کردن از اثر به واسطه دلیلی همانند آن. (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۳۳۴).

**قصاص در اصطلاح:**

قصاص در اصطلاح، عبارت است از: «پی گیری نمودن و دنبال نمودن اثر جنایت است به گونه‌ای که قصاص کننده همان جنایتی که جانی بر او وارد ساخته است بر خود او وارد نماید.» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۷)

شهید ثانی بیان کرده است: قصاص با کسر قاف اسمی است برای استیفا نمودن مثل جنایتی که بجای آورده شده است خواه آن جنایت قتل باشد و خواه قطع عضو و یا زدن و یا جراحت وارد کردن. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص ۱۱).

صاحب ریاض بیان کرده است: قصاص به کسر قاف اسمی است که برای استیفا نمودن مثل جنایتی که بجای آورده شده است خواه آن جنایت قتل باشد و خواه قطع و یا زدن و یا جراحت و گویا در اصل به معنای پیروی کردن است چنانچه گفته می‌شود («قص اثره») یعنی

فلانی از دیگری تبعیت نمود و گویا قصاص کننده از کسی که جنایت را وارد ساخته است پیروی می‌کند و همان عملی را که جانی انجام داده است او نیز بجای می‌آورد. (حائری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۰۰).

### الأعور در لغت:

الأعور در لغت به معنی شخص یکچشم است و حمیری در این مورد بیان کرده است که أعور شخصی است که یکچشم دارد و یا به عبارتی شخصی که یکچشم آن به طریقی بینایی نداشته باشد. (حمیری، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۴۸۳۴).

### أعور در اصطلاح:

فقها بهطور واضح تعریف دقیقی از أعور بیان نکرده‌اند و بیان آن‌ها حول معنای لغوی آن است، اما کلینی در این مورد بیان کرده است که أعور یعنی شخصی که یکچشم‌ش سالم است و چشم دیگرش حس ندارد، یا اینکه یکی از چشم‌هایش ناقص است. معلوم می‌شود که اصلاً دید و بینایی ندارد. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۶۳۲).

قبل از وارد شدن به مبحث اصلی لازم است بیان شود که اگر کسی صدمه به چشم انسان أعور برساند، گاهی صدمه به چشم سالم‌ش می‌رساند، گاهی صدمه بر چشم ناسالم‌ش می‌رساند، أعور انسانی است که یکچشم‌ش سالم است و چشم دیگرش دید ندارد، اگر کسی آسیبی به چشم او رساند، این دو حالت دارد:

الف: گاهی به چشم سالم آسیب و صدمه می‌رساند.

ب: گاهی به چشم ناسالم صدمه می‌رساند.

هر موقع بگویند: «عين الأعور»، یعنی چشم سالم‌ش، هر موقع بگویند: العين الأعور، أو العين العوراء، یعنی چشم ناسالم و دلیل بر این مدعای رایتی است که در ای مورد بیان شده است.

پس مسئله این است که انسانی است یکچشم‌ش سالم و چشم دیگرش دید ندارد، این دو صورت دارد، گاهی جانی به چشم سالم‌ش صدمه وارد می‌کند و گاهی به چشم ناسالم‌ش صدمه می‌زند؛ و ما در اینجا با فرع اول یعنی صدمه زدن به چشم سالم شخص الأعور سروکار داریم و لذا به بیان آن خواهیم پرداخت.

### بررسی فرع اول

اگر به چشم سالم صدمه رساند، یکدانه چشم دیه کامل دارد و این خودش یک نوع تخصیص در قاعده است، اگر کسی به چشم سالم أعور صدمه وارد کند، بهجای پانصد دینار، باید هزار دینار بدهد، چرا؟ چون در این زمینه روایت داریم، یعنی دو روایت داریم که اگر کسی به چشم آدم اعور صدمه رساند، باید دیه کامل بدهد، چرا؟ چون این آدم با کور کردن چشم سالم أعور، جناب أعور می‌شود اعمی و کور مطلق، مثل این می‌ماند که دو چشم را دربیاوریم، اگر دو چشم انسان سالم را دربیاوریم، همان‌طور که دیه کامل دارد، اینجا هم اگر یکچشم سالم را درآوردیم، چون چشم دیگرش بینایی ندارد، باید دیه کامل بپردازیم، فلسفه‌اش این است و روایت هم داریم. روایاتی که می‌گوید اگر یکچشم سالم اعور را درآوردی، باید دیه کامل بپردازی، این درجایی است که أعوریت یا مادرزادی باشد و یا بافة الهیه، اما اگر چشم این آدم در اثر جنایت أعور شده، یعنی جانی او را اعور کرده، منتها این آدم یا دیه گرفته یا دیه نگرفته، یا به خاطر قصاص أعور شده، یعنی خود این شخص، چشم دیگری را اعور کرده، فلذًا چشم خودش از باب قصاص کور شده است، در این دو صورت نصف دیه است نه تمام دیه. لذا بحث ما در مورد قصاص کسی است که چشم سالم شخص اعور را درآورده باشد و یا باعث از بین بردن بینایی آن شده باشد.

### تبیین نظریه‌های فقهی

فقهای مشهور امامیه در این مورد سه دیدگاه دارند که عبارت‌اند از:

۱ - قصاص بدون پرداخت نصف دیه.

فقهای این گروه قائل به این هستند اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخصی را که دارای یکچشم سالم است درآورد در این صورت فرد مختار است که دیه را که هزار دینار است بگیرد و بین اینکه چشم جانی را درآورده، اما شخص جنی علیه نمی‌تواند هم یکچشم جانی را قصاص کند و هم اینکه نصف دیه را از وی بگیرد، از جمله فقهایی که قائل به این دیدگاه است شیخ مقید است که ایشان قائل به قصاص بدون پرداخت دیه شده است و بیان کرده است که اگر شخص جانی که دارای دو چشم است چشم شخص مجني علیه را درآورد در این صورت شخص مجني علیه مخیر است بین گرفتن دیه و یا اینکه یکچشم جانی را قصاص کند و در صورت قصاص کردن

هیچ‌چیز به وی رد نمی‌شود. (مفید، ۱۴۱۳: ص ۷۶۱). شیخ طوسی در کتاب الخلاف بر این مطلب علاوه بر بیان روایات ادعای اجماع کرده و بیان کرده است شخص الأعور که دارای یک‌چشم است می‌تواند چشم شخص جانی را درآورد و یا اینکه دیه آن را بگیر و اگر چشم شخص جانی را از باب قصاص درآورد هیچ دیه‌ای به وی تعلق نمی‌گیرد. (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۵۱). این ادريس نیز قائل به دیدگاه شیخ در خلاف شده است و بیان کرده است آیه‌ی ۴۵ سوره مائدہ «الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ» دلالت بر این مطلب می‌کند و آیه قرآن بیان نکرده است که العین بالعين و نصف دیه و از طرف دیگر اصل برائت ذمه‌ی شخص از پرداخت دیه است و پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص محتاج به دلیل است. (ابن ادريس، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۸۱). علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام قول شیخ را مبنی بر عدم پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص قول قوی دانسته است و بیان کرده است این مطلب در صورتی است که شخص مجنبی علیه ذاتاً دارای یک‌چشم باشد. (علامه حلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹). علامه حلی در ((تلخیص المرام)) پرداخت نصف دیه را به همراه قصاص بهصورت قیل آورده است که این حاکی از آن است که این مطلب را قبل ندارد. (علامه حلی، ۱۴۲۱: ص ۳۴۶). محقق حلی در این مورد بیان کرده است که دو قول وجود دارد اما قول اولی این است که در صوتی که شخص الأعور چشم جانی را قصاص کند دیه‌ای به وی رد نمی‌شود. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۲۲۱) شهید اول در ((اللمعة الدمشقية)) پرداخت دیه علاوه بر قصاص را بهصورت قیل آورده است که این حاکی از این است این قول ضعیف است. (شهید اول، ۱۴۱۰: ص ۲۷۲). مقدس اردبیلی در رد این مبحث بیان کرده است باید تأمل کرد که دیه شخص الأعور دیه‌ی کامل است زیرا عین واحد دیه‌ی آن نصف است و این بهوسیله اجماع و نص ثابت شده است و لذا باید در مورد دیه‌ی شخص الأعور تأمل کرد اما حال اگر شخصی که دارای دو چشم است چشم شخصی را که الأعور است دربیاورد در این صورت آیا علاوه بر قصاص باید شخص جانی نصف دیه‌ی یک‌چشم را هم به آن بپردازد و یا خیر در این مورد باید گفت که اگر دیه‌ی شخص الأعور دیه‌ی کامل باشد بهوسیله‌ی قصاص یک‌چشم جانی باید نصف دیه را هم بگیرد اما در غیر این صورت خیر؛ و مقدس اردبیلی دیدگاه شیخ طوسی و مفید را نقد کرده است که قائل به قصاص هستند بدون رد و از این گفتار وی می‌توان گفت که به سمت این دیدگاه تمایل دارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ص ۸۷-۸۳). صاحب ریاض نیز بیان کرده است که دیه شخص الأعور دیه‌ی کامل است اما در مورد قصاص و اینکه آیا اگر شخصی چشم این شخص را درآورد علاوه بر قصاص آیا باید نصف دیه هم به وی رد شود یا نه؟ چیزی بیان نکرده است. (حائری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۴۳) صاحب جواهر پس از بیان دیدگاه فقهای از جمله شیخ طوسی در کتاب خلاف و نهایه بیان کرده است که اولی این است که اگر دیه خواست دیه کامل به وی رد می‌شو اما اگر شخص جانی را قصاص کرد دیگر چیزی به وی رد نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۳۶۷-۳۶۸)

## ۲ - پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص چشم.

برخی از فقهاء از قائل به این شده‌اند هرگاه شخص جانی که دارای دو چشم صحیح است چشم شخصی را که الأعور است یعنی برادر آفت سماوی و یا خلق آسمانی دارای یک‌چشم است کور کند در این صورت در چشم این شخص دیه کامل است و علاوه بر اینکه یک‌چشم جانی را قصاص می‌کنند جانی باید نصف دیه هم به وی رد کند. شیخ طوسی در کتب ((النها و المبوسط)) قائل به این دیدگاه شده است و بیان کرده است شخصی که چشم شخص الأعور را دربیاورد در این صورت این شخص مخیر است بین اینکه دیه‌ی کامل را از شخص جانی بگیرد و یا اینکه یکی از چشم‌های شخص جانی را به عنوان قصاص بکند و نصف دیه هم از وی دریافت کند. (طوسی، التهایه، ۱۴۰۰: ص ۷۶۵ - همان، المبوسط، ۱۳۸۷ ج ۷، ص ۱۴۶). شیخ صدوق نیز قائل به قصاص همراه با پرداخت نصف دیه شده است. (صدوق، ۱۴۱۵: ص ۵۱۷)

علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه پس از بیان دیدگاه شیخ طوسی بیان کرده است که دیه‌ی شخصی که ذاتاً و یا خلق‌تاً یک‌چشم دارد هزار دینار است و لذا وقتی یک‌چشم آن کنده شود در این صورت قصاص یک‌چشم معادل نصف دیه‌ی چشم آن است و باید مقدار تفاوت آن هم که نصف دیه است پرداخت شود زیرا در غیر این صورت به آن ظلم می‌شود و از طرفی روایات نیز بر این مطلب دلالت دارند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۳۷۵-۳۷۶). شهید اول در غایه المراد به سمت این دیدگاه تمایل پیداکرده است به گونه‌ای که پس از بیان دیدگاه فقهاء در این مورد بیان کرده است ادله‌ی کسانی که قائل به قصاص بدون رد کردن دیه هستند مورد اشکال است و به بیان آن‌ها پرداخته است. (شهید اول، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۷۲-۳۷۴)، شهید ثانی در الروضه البهیه به بیان دیدگاه فقهاء پرداخته است بدون اینکه قائل به دیدگاهی باشد اما از مجموع کلام آن می‌توان دریافت که ایشان تمایل به دیدگاه اول که شخص جانی علاوه بر قصاص باید نصف دیه‌ی یک‌چشم را به شخص جانی بپردازد دارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص ۸۱-۸۲). آیت‌الله خویی بیان کرده است در این مورد هیچ اختلافی بیان اصحاب نیست که دیه‌ی شخص الأعور دیه‌ی کامل است و لذا روایات بر ای مطلب دلالت دارند که اگر شخصی چشم شخص الأعور را بکند در این صورت آن شخص اگر بخواهد می‌تواند یک‌چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه را هم از وی بگیرد و یا اینکه می‌تواند آن را عفو کند و دیه کامل را از آن بگیرد و از دیدگاه آیت‌الله خویی دیه‌ی شخص الأعور دیه‌ی کامل است فرقی نمی‌کند که کور شدن یک‌چشم وی به خاطر آفت سماوی باشد و یا اینکه خلق‌تاً و یا اینکه به خاطر جنایتی باش هرچند دیه‌ی آن را هم گرفته باشد که این برخلاف دیدگاه مشهور است. (خویی، ۱۴۲۲: ج ۴۲ موسوعه، ص ۳۴۲-۳۴۳). محقق خمینی در این مورد بیان کرده است: اگر صاحب دو چشم، چشم اعور را دربیاورد برای آن یک چشم

قصاص گرفته می‌شود؛ پس آیا برای او علاوه بر آن، رد تصف دیه است؟ بعضی گفته‌اند: نه. ولی اقوی ثبوت آن است؛ و ظاهر آن است که مجنی علیه بین گرفتن دیه کامل و بین قصاص گرفتن و گرفتن نصف دیه مخیر است، کما اینکه ظاهر آن است که این حکم در جایی ثابت است که چشم أعور دیه کامل داشته باشد کما اینکه به طور خلقت یا به آفت از خدا باشد - نه در غیر آن - مثل جایی که چشم او از جهت قصاص درآورده شده باشد. (خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۴۵).

### ۳ - توقف.

برخی از فقهاء در مورد این مطلب توقف کرده‌اند بدون اینکه یکی از این دو قول را داشته باشند از جمله: علامه حلی در کتب (ارشاد الأذهان و قواعد الاحکام) قائل به توقف شده است به گونه‌ای که هیچ نظری را بیان نکرده است و فقط در مورد اینکه اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخصی را که دارای یک‌چشم است خلقاً در بیاورد بیان کرده است در این مورد دو دیدگاه است بدون اینکه قائل به یکی از آن دیدگاه‌ها شود. (علامه حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۰۷ - همان ۱۴۱۳: ج ۳، صص: ۶۳۸-۶۳۹).

ادله گروه اول که قائل به قصاص بدون پرداخت دیه به شخص الأعور شده‌اند.

### ۱ - اجماع.

شیخ طوسی بر این مطلب اجماع بیان کرده است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۵۱).

### ۲ - قول باری تعالی: «الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ». (سوره مائدہ، آیه‌ی ۴۵).

فقهاء این گروه به این آیهی قرآن استناد کرده‌اند که افاده‌ی عمومیت می‌کند و از طرف دیگر و آیه قرآن بیان نکرده است که العین بالعين و نصف دیه.

### ۳ - روایت.

روایت حلبی از امام صادق (ع) که آن حضرت فرمودند: در عین الأعور دیه کامل است. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴، ص ۳۹۸)؛ که این روایت مطلق است و بیان نکرده است که علاوه بر قصاص نصف دیه هم به شخص محنتی علیه تعلق می‌گیرد.

### ۴ - اصل.

منظور از اصل، اصاله البراءة است یعنی اصل برائت ذمه شخص از پرداخت دیه است.

برخی از فقهاء در جواب آیهی شریفه در مورد نفی دیه بیان کرده‌اند که این آیه [۴۵ سوره مائدہ] حکمی از تورات را نقل می‌کند، از این‌رو ما ملزم به عمل کردن آن نیستیم؛ اما فقهاء برخی از فقهاء به آن پاسخ داده‌اند که این سخن درستی نیست به خاطر اینکه حکم این آیه در شرع مقدس اسلام ثابت است زیرا زواره از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) نقل کرده است این آیه جزء محکمات است. ثانیاً - خداوند به دنبال این آیه می‌فرمایند: هر کس به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکند از ظالمین است و کلمه‌ی من افادة‌ی عمومیت می‌کند؛ و شهید ثانی به این جواب اشکال کرده است که شاید بتوان در قسمت دوم استدلال «و من لم يحكم بما...» تشکیک کرد زیرا احتمال دارد که من بر اسم «آن» عطف شده باشد و درنتیجه اگر نص بر حکم بودن این آیه دلالت نداشته باشد دلالت نمی‌کند که حکم مذکور در آیه در شرع اسلام باقی است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص: ۸۳).

### نقد و بررسی ادلہ این گروه

اولاً - در مورد اجماعی که شیخ طوسی بیان کرده است باید گفت به نظر می‌رسد این اجماع در مورد ای است که دیه‌ی چشم شخص الأعور دیه‌ی کامل است همان‌طور که بیشتر فقهاء بر این مطلب اجماع بیان کرده‌اند.

ثانیاً - در مورد آیهی قرآن باید گفت به این آیه پاسخ داده شده است که کلمه «الْعَيْنَ» مفرد محلی به الف و لام است و افاده عمومیت نمی‌کند یعنی شامل مورد ما که مجنی علیه یک‌چشم داشته باشد نمی‌شود.

ثالثاً - به خاطر وجود روایت مذکور اصل کنار گذاشته می‌شود زیرا جایی به اصل تمسک می‌شود که دلیلی در مقابل آن نباشد. (شهید اول، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۷۴).

ادله گروه دوم که قائل به قصاص و پرداخت نصف دیه هستند:

- ۱- جانی تمام بینایی شخص الأعور را از بین برده است و لذا باید تمام دیه پرداخت شود و در حالی که از جانی بهاندازه‌ی نصف دیه یعنی یک‌چشم قصاص شده است و درنتیجه نصف دیگر برای مجنی علیه باقی می‌ماند در غیر این صورت به مجنی علیه ظلم شده است. (علامه حَّلَّی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۳۷۵-۳۷۶).

## ۲- روایات.

- ۱- روایت محمد بن قیس از امام باقر (ع) که آن حضرت فرمودند: حضرت علی (ع) درباره‌ی شخص یک‌چشمی که چشم سالم آن آسیب دید و از حدقه درآمد حکم کرد به اینکه یک‌چشم کسی که به ایشان آسیب رسانیده است کنده شود و نصف دیه را نیز بپردازد و اگر مجنی علیه راضی شد می‌تواند دیهی کامل بگیرد و چشم جانی را قصاص نکند. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴، ص ۳۹۸).
- ۲- روایت عبدالله بن حکم از امام صادق (ع) که از آن حضرت در مورد مردی که دارای چشم سالم بود چشم شخص الأعور را کنده بود سؤال کرد؟ که آن حضرت فرمودند: دیهی چشم آن کامل است و لذا اگر شخص مجنی علیه بخواهد می‌تواند یک‌چشم آن را قصاص کند و نصف دیهی آن را بگیرد زیرا دیهی چشم این شخص کامل است و به وسیله‌ی قصاص نصف دیهی آن باقی می‌ماند (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۶۹).

## نقد و بررسی ادله این گروه.

- اولاً - در مورد دلیل اول کسی مخالف آن نبوده است و شاید آیه‌ی قران که آن هم بیان شد دلالت بر عمومیت ندارد.
- ثانیاً - در مورد روایات باید گفت که روایت محمد بن قیس صحیح است و از طرفی مقدس اربیلی بیان کرده است وجود محمد بن قیس ضرری به این روایات وارد نمی‌کند و روایت عبدالله بن حکم نیز چنین است. (اربیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ص ۸۴).

## نظریه‌ی مختار

- با توجه به مجموع ادله‌ی مطرح شده از جانب هر یک از طرفین و همچنین وجود نقاط ضعف و قوت در هر یک از ادله باید گفت:

- ۱- نظریه‌ی مبنی بر اینکه دیهی شخص أعور دیهی کامل است مورد ثوق و اطمینان است زیرا تمام فقهاء بالاتفاق قائل به این هستند و بر این مطلب هم اجماع دارند و از طرف دیگر همه‌ی آن‌ها بیان کرده‌اند که بین اعوری که خلقتاً یا به آفت سماوی اعور شده باشد با اعوری که به واسطه جنایتی که بر او وارد شده یا به خاطر قصاص و یا به هر وسیله‌ای از حوادث عادی اعور شد فرق وجود دارد، لذا اگر شخص به خاطر جنایتی چشمش را از دست داده باشد دیهی کامل به آن تعلق نمی‌گیرد البته آیت‌الله خوبی با این دیدگاه مشهور مخالفت کرده است به گونه‌ای که از دیدگاه ایشان هیچ فرقی نمی‌کند که شخص اعور به خاطر آفت سماوی باشد و با اینکه به خاطر جنایت در هر صورت دیهی آن کامل است. لذا این نظریه‌ی فقهاء در مورد کامل بودن دیه شخص اعور بخشش‌ناپذیر است و روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند؛ و دیدگاه آیت‌الله خوبی دیدگاهی شاذ است زیرا ایشان تنها به عمومات و اطلاقات روایات استناد کرده است.
- ۲- اما در مورد پرداخت نصف دیه به مجنی علیه علاوه بر قصاص جانی که برخی فقهاء به آن استناد کرده‌اند امری دو از ذهن و بعيد به نظر نمی‌رسد زیرا ادله‌ی کسانی که قائل به قصاص هستند بدون اینکه شخص جانی نصف دیه را بپردازد ضعیف هستند زیرا به عمومات و اطلاقات قرآن و روایات استناد کرده‌اند از جمله قول باری تعالی: «الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ». (سوره مائدہ، آیه‌ی ۴۵) اما باید گفت که این آیه‌ی قرآن نباید باعث انحراف افکار شود زیرا کلمه «الْعَيْن» مفرد محلی به الف و لام است و افاده عمومیت نمی‌کند یعنی شامل مورد ما که مجنی علیه یک‌چشم داشته باشد نمی‌شود؛ و از طرف دیگر روایت محمد بن قیس و عبدالله بن حکم بر این مطلب دلالت دارند و عمومات قرآن به وسیله این روایات تخصیص می‌خورد. لذا هرچند که بیشتر فقهاء قائل به دیدگاه اول یعنی قصاص شدن جانی بدون پرداخت هیچ دیه‌ای هستند اما قول صحیح آن است که فقهاء دیگر از شیخ طوسی در کتب النهایه و المبسوط و همچنین شهیدین و محقق خمینی بیان کرده‌اند یعنی قصاص جانی و پرداخت نصف دیه اما در صورت رضایت، مجنی علیه می‌تواند دیهی کامل را دریافت کند بدون قصاص. پس به نظر می‌رسد با توجه به این ادله نظریه‌ی پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص جانی به واقعیت نزدیک‌تر است.

### پی آمد حقوقی نظریه‌ی فقهاء

این نوشتار با بحث تطبیقی میان مستندات فقهی با قانون مجازات اسلامی به پایان می‌رسد. در مورد این فرع فقهی که اگر کسی چشم یک شخصی را کور کند قصاص می‌شود هرچند که مرتكب یک چشم بیشتر نداشته باشد قانون مجازات اسلامی با دیدگاه فقهاء که بر این مورد اجماع دارند موافق است و قانون گذار در ماده ۴۰۲ قانون مجازات اسلامی بیان کرده است: اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مرتكب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضا زوج بدن جاری است. (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴) اما در مورد شخصی که دو چشم سالم دار چشم شخصی را که یک چشم سالم دارد درآورد در این مورد همان‌طور که در بالا بیان شد فقهاء سه دیدگاه داشتند که البته همه‌ی فقهاء قائل به این بودند که دیه‌ی این شخص کامل است اما در جزئیات آن اختلاف داشتند، به گونه‌ای که گروه اول قائل به قصاص چشم جانی بدون پرداخت نصف دیه به مجني علیه شده بودند اما گروه دوم قائل به قصاص چشم جانی و پرداخت نصف دیه به مجني علیه شده بودند و یا در صورت رضایت مجني علیه دیه کامل به آن پرداخت شود و برخی دیگر هم در این مسئله توقف کرده بودند؛ اما قانون گذار از این مسئله غافل نبوده است و این موضوع در ماده ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی آمده است قانون گذار نیز قائل به دیه‌ی کامل برای شخص اعور شده است البته این استثناء را نیز بیان کرده است که یک چشم مجني علیه به خاطر آفت سماوی کور باشد اما اگر مجني علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دستداده باشد در این صورت می‌تواند یک چشم مرتكب را قصاص کند و یا با رضایت مرتكب، نصف دیه کامل را دریافت نماید. لذا در این صورت فرد مجني علیه مستحق نصف دیه است و نه دیه کامل. همان‌طور که فقهاء بالاتفاق این مطلب را بیان کرده بودن به جز آیت‌الله خوبی که دیدگاهی شاذ دارد و برخلاف نظر مشهور فتوا داده است، لذا دیدگاهی که قانون گذار در ماده ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی [اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مجني علیه می‌تواند یک چشم مرتكب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتكب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مجني علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دستداده باشد که در این صورت می‌تواند یک چشم مرتكب را قصاص کند و یا با رضایت مرتكب، نصف دیه کامل را دریافت نماید.] بیان کرده است موافق با دیدگاه فقهاء گروه دوم است و می‌توان گفت که این ماده‌ی قانون مجازات اسلامی نشأت گرفته از دیدگاه فقهاء گروه دوم از جمله دیدگاه محقق خمینی که آراء وی نقش مهمی در قانون مجازات اسلامی دارد هرچند که بیشتر فقهاء دیدگاهی مخالف با دیدگاه محقق خمینی و شهیدین و دیگران دارند اما همان‌طور که بیان شد دیدگاه فقهاء گروه دوم که قائل به قصاص چشم جانی و پرداخت نصف دیه به مجني علیه شده‌اند خدشه‌ناپذیر است و از آنجایی که دیدگاه فقهاء گروه دوم که قول آن‌ها خدشه‌ناپذیر است اقتباس کرده است. هرچند که مشهور فقهاء قائل به دیدگاه اول یعنی قصاص بدون پرداخت هیچ دیه‌ای شده بودند.

**نتیجه‌گیری**

- ۱- در میان فقهاء درباره‌ی موضوع قصاص در چشم در مورد شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخصی را که دارای یک‌چشم سالم است درمی‌آورد، سه نظریه وجود دارد، نظریه‌ی نخست عبارت است از قصاص جانی بدون پرداخت نصف دیه به مجني‌علیه درنتیجه شخص جانی را یا باید قصاص کرد بدون اینکه نصف دیه به شخص مجني‌علیه داده شود و یا اینکه با رضایت مجني‌علیه یک دیه‌ی کامل به آن پرداخت شود بدون قصاص چشم جانی؛ یعنی هرچند که دیه‌ی شخص اعور دیه‌ی کامل است اما درصورتی که مجني‌علیه خواستار قصاص جانی شود فقط یک‌چشم جانی را قصاص می‌کند و هیچ دیه‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد. نظریه‌ی دوم که عبارت است از پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص چشم درنتیجه اگر شخص مجني‌علیه خواستار قصاص جانی شود شخص جانی باید نصف دیه هم به مجني‌علیه پرداخت کند زیرا دیه‌ی این شخص دیه‌ی کامل است و یا اینکه با رضایت مجни‌علیه شخص جانی دیه‌ای کامل به آن پرداخت کند بدون هیچ قصاصی؛ و نظریه‌ی سوم که توقف در این مسئله است و درنتیجه سکوت در این مسئله را در پی دارد.
- ۲- در مورد نظریه‌های مطرح شده، نظریه‌ی نخست پشتوانه بسیاری از فقهاء را دارا است که اسمی برخی از آن‌ها بیان شد؛ و نظریه‌ی دوم پشتوانه‌ی تعداد کمتری از فقهاء را دارد اما این نظریه خدشه‌ناپذیر است.
- ۳- نظریه‌ی دوم به خاطر وثاقت ادله به عنوان قول مختار برگزیده شد.
- ۴- قانون‌گذار نیز در ماده‌ی ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی قول مختار را در حکم خود انعکاس داده است و دیدگاه قانون‌گذار موافق قول دوم فقهاء یعنی قصاص شخص جانی و پرداخت نصف دیه به مجني‌علیه است لذا این نظریه‌ی قانون‌گذار پشتوانه فقهی محکمی دارد که خدشه‌ناپذیر است هرچند که در ظاهر و با استناد به عمومات قرآنی اشتباه به نظر می‌رسد اما با بررسی و ضعیف بودن این عمومات و اطلاق می‌توان به خدشه‌ناپذیری این دیدگاه حکم کرد.

مراجع و منابع

- [١] قرآن کریم

[٢] ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت- لبنان، انتشارات دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-

[٣] دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق.

[٤] اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائد و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ هـ ق.

[٥] بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم- ایران، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید- رحمة الله عليه، ۱۴۱۳ هـ ق.

[٦] جهانگیر منصور، قانون مجازات اسلامی، تهران- ایران، چاپ صدو سی و هشتم، نشر دیدار، ۱۳۹۵.

[٧] حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (ط- القديمة)، قم- ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، [بی تا].

[٨] حکی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ هـ ق.

[٩] حکی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط- القديمة)، مشهد- ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، [بی تا].

[١٠] ، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ هـ ق.

[١١] ، تبصرة المتعلمين فی أحكام الدين، تهران- ایران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ هـ ق.

[١٢] ، تاخیص المرام فی معرفة الأحكام، قم- ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ هـ ق.

[١٣] ، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ ق.

[١٤] ، مختلف الشیعه فی أحكام الشريعة، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ ق.

[١٥] حکی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم- ایران، مؤسسه اسماعیلیان، تاریخ نشر: ۱۴۰۸ هـ ق.

[١٦] حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، بیروت- لبنان، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ هـ ق.

[١٧] خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، قم- ایران، مؤسسه مطبوعات دار العلم، [بی تا].

[١٨] خوبی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، قم- ایران، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۲۲ هـ ق.

[١٩] صاحب بن عباد، کافی الكفاء، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت- لبنان، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ هـ ق.

[٢٠] طوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران- ایران، المکتبة المترضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ هـ ق.

[٢١] ، الخلاف، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ ق.

[٢٢] ، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى، بیروت- Lebanon، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۰ هـ ق.

[٢٣] ، تهذیب الأحكام، تهران- ایران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ ق.

[٢٤] عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت- Lebanon، دار التراث- الدار الإسلامية، ۱۴۱۰ هـ ق.

[٢٥] ، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم- ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ هـ ق.

- [۲۶] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضۃ البهیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیۃ (المحشی) - کلانتر)، قم- ایران، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ هـ.
- [۲۷] قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، قم- ایران، مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ هـ.
- [۲۸] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دارالحدیث)، قم - ایران، دارالحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ هـ.
- [۲۹] نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت- لبنان، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ هـ.
- [۳۰] واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت- لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ.